

توانایی اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در دانش آموزان ، بخش مهمی از کار هر معلم و کلاس و زمینه ی مناسبی برای یادگیری است . به نظر می رسد معلم برای اداره ی مطلوب و منظم کلاس درس به دو مهارت نیاز دارد :

۱- برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان .

۲- مدیریت کلاس .

این دو مهارت باعث تسهیل امر آموزش و کاهش رفتارهای نامطلوب دانش آموزان می شود . جو کلاس در هر شرایط بر نگرش دانش آموزان نسبت به مدرسه مطالعه ، تحصیل و حتی خود پنداری آنها تاثیر می گذارد .

توصیف وضعیت موجود : در بعضی مواقع از رفتارهای دانش آموزان در کلاس درس چنین استنباط نمی شود که برخی معلمان در شیوه ی یاددهی مطالب درسی از جمله نحوه ی بیان ارائه ی درس توضیح مفاهیم درسی و ارتباط دادن آنها مشکل دارند . حتی از میان این معلمان افرادی نیز وجود دارند که مفاهیم درسی را بیش از حد نیز مطرح می کنند ، اما دانش آموزان در شیوه ی یادگیری مطالب درسی آنها دچار مشکل می شوند . به عبارت دیگر نمی توانند درس مورد نظر را خوب یاد بگیرند .

انگیزه عاملی است که باعث می شود تا فرد در فعالیت هایی که به هدف منجر می شود شرکت نماید و به تلاش خود تا رسیدن به اهداف ادامه دهد . انگیزه تحت تأثیر ارزش ها ، نیازها و اهداف و خودپنداری دانش آموزان می باشد . همچنین انگیزه ، تحت تأثیر رفتار معلم می باشد . به هر حال انگیزه تحت تأثیر عوامل مختلفی که تعدادی از این علل تحت عنوان انگیزه و عوامل قابل تغییر آن در این مقاله بیان می شود . پرواضح است که این علل مورد توجه معلمان و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت قرار گیرد نه تنها میزان یادگیری ، بیشتر و مؤثرتر خواهد بود ، بلکه هدف نهایی تعلیم و تربیت به نحو احسن برآورده خواهد شد .

انگیزش به آن حالت درونی ارگانیک اشاره دارد که موجب هدایت رفتار به سوی نوعی هدف می شود و عامل کلی مولد رفتار است ، به عبارت دیگر انگیزه به علت اختصاص یک رفتار معین اشاره می کند . یکی از عوامل مهم در فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی ، انگیزه ی دانش آموزان است . هرچند یک حالت درونی و موجد رفتار است ولی انگیزش متغیری است که با ایجاد تغییراتی در جهان بیرونی و پیرامونی از جمله رفتارهای اطرافیان می توان آن را افزایش یا کاهش داد .

بیان مسئله :

برای محقق این سوال مطرح بود که برای ایجاد تغییر در جریان یاددهی و یادگیری چه باید کرد ؟

هر معلمی برای رسیدن به این هدف چه باید بکند و به چه شیوه هایی باید مسلط باشد ؟

چگونه می توان مفاهیم درسی را به شیوه بهتر به طوری که برای اکثر دانش آموزان قابل فهم باشد ارائه داد ؟

نحوه ی مدیریت معلم در جریان یاددهی و یادگیری چگونه باید باشد ؟

مهمترین عامل موثر برای ایجاد جو مطلوبی در کلاس درس مجهز شدن معلم به سلاح علم و ایمان و توأم بودن با علم و عمل است . راز و مز موفقیت یک معلم ، تسلط و مهارت در زمینه ی موضوع مورد تدریس و رعایت تساوی و عدالت در میان دانش آموزان می باشد .

راهبرد ها : برای کمک به معلمان برای ایجاد محیط آرام و مطلوب در جریان یاددهی و یادگیری چهار راهبرد پیشنهاد می شود :

الف : پیشگیری از رفتارهای نامطلوب .

ب : برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان .

ج : استفاده از روش یادگیری مشارکتی در کلاس .

د : فراهم کردن جو مثبت و مطلوب برای یادگیری و آموزش .

الف : پیشگیری از رفتارهای نامطلوب دانش آموزان در کلاس :

پیشگیری به دو دلیل مهم است :

۱- به دلیل عملی یعنی پیشگیری از بروز رفتارهای نامطلوب بهتر از بروز اقدام به تغییر آن رفتارها است .

۲- به دلیل انسانی ، یعنی معلم ، دانش آموزان را که هم یادگیرنده اند و هم انسان می پذیرد بنابراین انسان خود را مسئول اصلاح و برطرف کننده مشکلات آنها می داند . در زمینه ی پیشگیری و مواجهه با رفتارهای نامطلوب نکات زیر به معلمان توصیه می شود :

۱- در مواقع بی نظمی باید با عوامل آن به طور انفرادی ارتباط برقرار کرد و از دلایل این بی نظمی مطلع شد .

- ۲- رفتارها و فعالیت هایی که موجب بی نظمی می شوند و مقررات کلاس را مطرح و دانش آموزان را ملزم به رعایت آن کنید ، مثلاً لگد زدن به سطل آشغال ، لگد کردن گچ ها ، کثیف کردن دیوارها ، و ... را قدغن کنید .
- ۳- دانش آموزان باید بدانند رفتار مطلوب و مورد نظر معلم چیست : مثلاً می تواند بگوید : هنگام صحبت کردن ، اول دست خود را بلند کنید
- ۴- به رفتارهای نامطلوب دانش آموزان واکنش جدی نشان دهید .
- ۵- در شروع کار قوانین و ضوابط کلاس را مطرح کنید و نسبت به آن قوانین تعهد نشان دهید.
- ۶- شرط لازم برای اجرای قوانین در کلاس درک دانش آموزان از آن ضوابط و قوانین است .
- ۷- کلاس را در آغاز با جدیت شروع کنید و متعاقب آن ، آزادی بیشتری به دانش آموزان بدهید . (نباید این آزادی بیش از حد باشد .)
- ۸- یادگیری را با اهمیت و معنی دار کنید و دانش آموزان را به کلاس علاقه مند کنید .

علل رفتارهای نامطلوب دانش آموزان :

خستگی از بحث و درس معلم استقلال طلبی و قرار گرفتن در مقابل اقتدار معلم ، جلب توجه معلم و سردرگم بودن نسبت به انتظارات معلم و قوانین کلاس .

« کاین » به مقایسه رفتار معلمان در کلاس های دارای رفتارهای نامطلوب و عادی پرداخت . در این مطالعه نشان داده شده که تفاوت این کلاس ها از اقدامات پیشگیرانه ی معلمان ناشی می شود . کاین معتقد است « نظارت » احتیاج به دو مهارت دارد : یکی اینکه معلم به طور فعال بیش از یک دانش آموز را مورد توجه قرار دهد و دوم این که برای همه ی دانش آموزان فعالیتی مشخص کند .

پاسخ مقتضی و مناسب به رفتارهای نامطلوب دانش آموزان در کلاس .

- ۱- معلم نگاهی خیره و کوتاه مدت به دانش آموزان بدون قطع جریان آموزش داشته باشند .
- ۲- استفاده از شیوه بیان غیر مستقیم ، مثلاً معلم ضمن صحبت کردن بگوید که صحبت شما را شنیدم .
- ۳- به شکل تصنعی از دانش آموزی رفتار نامطلوب انجام داده است سوال کند .
- ۴- استفاده از شیوه ی بیان مستقیم ، مثلاً به دانش آموز بگوید که لطفاً گوش دهید .
- ۵- الگو سازی رفتار مطلوب . (اشاره به جنبه های رفتار مطلوب دیگر دانش آموزان) .
- ۶- پاداش به رفتارهای مطلوب و نادیده گرفتن رفتارهای نامطلوب .
- ۷- دانش آموز خاطی را در قسمتی از کلاس منزوی کند یا او را از کلاس اخراج کند .

ب : برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش آموزان .

- ۱- معلم باید مؤدبانه صحبت کند . (عدم استفاده از کلمات دستوری مانند باید و مجبورید) .
- ۲- معلم باید در مواقع ضروری از دانش آموزان خواهش و تقاضا کند .
- ۳- به دانش آموزان پیامی تا احساسات خود را در دور از هرگونه افراط و تفریط نشان دهند .
- ۴- گاهی اوقات سوالهای غیر جدی مطرح کنید تا ساختار شخصیتی شما جدی و غیر قابل انعطاف به نظر نیاید ، مثلاً می توانید از دانش آموزان سؤال های خصوصی کنید تا نسبت به شما احساس صمیمیت کنند .

تأثیر انتظارات معلم :

تأثیر گذاری از موضوعات آشنا روان شناسی است ولی این موضوع که انتظار معلم می تواند در رفتار دانش آموزان مؤثر واقع شود طرحی جدید است و روزنتال در تحقیق خود (۱۹۶۸) آثار انتظار معلم بر عملکرد دانش آموزان را بررسی کرد و این تاثیر گذاری پیشگویی خود کامنجش یا « اثر پیگمالیون » نامید . در مجموع تحقیقات مربوط به تاثیر انتظار حاکی از آن است که معلم از طریق کلامی و غیر کلامی انتظارات خود را به دانش آموز منتقل می کند به نظر روزنتال و همکاران معلم از آن رو با دانش آموزان موفق ارتباط دارد که رفتار آنها را بیش تر قابل پیش بینی می داند . دانش آموزانی که توجه معلم را نشانه ای از اهمیت تلقی می کنند به این احساس دست می یابند که شایستگی توجه افراد مهم را دارند در نتیجه اعتماد به نفس می یابند و اهداف بالایی را در نظر می گیرند . برعکس دانش آموزانی که به گمان خود شایستگی توجه معلم را ندارند توانایی شان را برای جلب توجه معلم به کار می برند و دائم حالت دفاعی دارند .

انتظارات مثبت معلم نتایج زیر را در بر دارد :

۱- در کلاس جوی نرم و پذیرا ایجاد می شود .

۲- بازخوردی مناسب به دانش آموز ارائه می شود .

۳- دانش آموزان برای شرکت در فعالیت ها کلاس ترغیب می شوند .

۴- زمان و فرصت بیشتری برای یادگیری فراهم می شود . به نظر روزنتال ، موارد زیر می تواند به تاثیر انتظار مثبت یا بالا منجر می شود که نشان دهنده رفتار متفاوت معلم نسبت به دانش آموزانی است که از آنها انتظار بالایی دارد :

۱- منظور از این روابط گرمی و حمایت بیشتر معلم از دانش آموزان است و معلم با دانش آموزان دوستانه رفتار می کند .

۲- بازخورد : منظور این است که معلم اطلاعات روشن تر و دقیق تری درباره ی صحبت عملکرد دانش آموزان به خود آنها ارائه می دهد .

۳- درونداد : معلمان به دانش آموزانی که از آنها انتظار بالایی دارند اطلاعات بیشتر و طرح های سنگین تری می دهند

۴- برونداد : منظور این است که معلمان فرصت های بیشتری برای پاسخ گویی به این دانش آموزان می دهند .

کاربردهای تاثیر گذاری انتظارات معلم در جریان و یادگیری

۱- با توجه به توانایی دانش آموزان از آنها سؤال کنید .

۲- با همه ی دانش آموزان به طور انفرادی ارتباط برقرار کنید .

۳- باز خورد سریع و به موقع به دانش آموزان بدهید تا متوجه انجام مفیدشان باشند .

۴- سعی کنید تکالیف متنوعی ارائه کنید تا دانش آموزان توانایی خود را نشان دهند .

۵- برای اطمینان از تعامل بیشتر دانش آموزان آنها را به صورت دوره های در نیمکت ردیف جلوتر قرار دهید . این کار به همبستگی و ارتباط گروهی نیز کمک می کند .

ج : استفاده از روش یادگیری مشارکتی در کلاس .

شیوه ی مشارکتی ارتباط مطلوبی در دانش آموزان به وجود می آورد آنها را برای یادگیری بهتر بر می انگیزد و عزت نفس دانش آموزان را ارتقاء می دهد گرچه شیوه های یادگیری مشارکتی با یکدیگر تفاوت هایی دارند در سه اصل مشترکند : آموزش فعالیت مشترک ، آموزش فعالیت ها به صورت گروهی و تقویت عملکرد کلی گروه روش های یادگیری مشارکتی براساس دو دلیل زیر هم مشخص می شوند :

۱- شیوه ی سازماندهی تکالیف :

گرچه در شیوه ی مشارکتی دانش آموزان براساس انجام تکالیف مشترک نمره کلی دریافت می کنند روش های متفاوت دیگری نیز وجود دارد . به عنوان مثال در یکی از این روش ها دانش آموزان به طور انفرادی کار می کنند و نیز ارزشیابی می شوند در حالی که روی یک موضوع کلی کار می کنند در این روش اگر یکی از اعضا پاسخ صحیح را بداند آن را به دیگران یاد بدهد این روش احساسات و روابط گرمی بین دانش آموزان ایجاد می کند ولی مبین فعالیت های جمعی همه ی دانش آموزان نیست . معلم می تواند با توجه کردن به فعالیت های تک تک دانش آموزان این مشکل را تا حدودی برطرف کند . این روش باعث می شود هر دانش آموزی در موضوع خاصی تحصیل یابد .

۲- شیوه ی ارائه ی پاداش :

اسلاوین (۱۹۸۷) معتقد است اگر به دانش آموزان براساس فعالیت فردی و گروهی پاداش داده شود بعضی از مشکلات روش مشارکتی حل می شود . مثلا در تمرین عملیات ضرب و تقسیم معلم می تواند هم دانش آموزان را به شکل انفرادی امتحان کند و هم تکلیف گروهی به آن ها بدهد . در روش دیگر می تان متوسط نمره تک تک اعضای گروه را نمره ی گروهی فرض کرد .

این روش دو نتیجه مهم دارد :

اولاً دانش آموزان را بر می انگیزد تا مطمئن شوند که همه ی اعضای گروه به خوبی فعالیت می کند و ثانیاً متوجه می شوند که می توانند به تنهایی خوب کار کنند .

د : فراهم کردن جو مثبت و مطلوب برای یادگیری و آموزش

پیشنهاد هایی که در زیر ارائه می شود برخواسته از دیدگاه های سه گانه ی انسان گرایی شناختن و رفتار گرایی است

۱- مقررات کلاس را با مشارکت دانش آموزان تدوین کنید و بیشتر بر پیامد های مثبت اطاعت از قوانین تاکید نه بر نتایج منفی حاصل از قوانین سکنی .

- ۲- آموزش کلاس را با قاطعیت و جدیت شروع کنید زیرا دادن آزادی بیشتر به دانش آموزان آسان است. ولی گرفتن آزادی ها و به دست آوردن کنترل کلاس چندان آسان نیست.
 - ۳- به دانش آموزان امکان ندهید شما را متقاعد کنند که شرایط و ضوابط مورد نظر خود را مرتب تغییر دهید.
 - ۴- از تهدید دانش آموزان پرهیز کنید.
 - ۵- بر عملکرد دانش آموزان تمرکز کنید ولی شخصیت آنها را هدف قرار ندهید.
 - ۶- آرام و قاطع برخورد کنید.
 - ۷- از انتقام جویی یا تمسخر دانش آموزان پرهیزید.
 - ۸- اگر عصبانی هستید ابتدا خود را کنترل کنید و سپس با دانش آموزان به صحبت بپردازید.
 - ۹- رفتارهای نامطلوب را به تکالیف درسی پیوند نزنید و از جریمه برای خاموش کردن رفتار نامطلوب استفاده نکنید
 - ۱۰- شناسایی و پذیرش اشتباهات را با دادن فرصت دوباره تقویت کنید و وقتی دانش آموز رفتار نامطلوب را کنار گذاشت او را بپذیرید.
 - ۱۱- از اشتباهات کوچک چشم پوشی کنید.
 - ۱۲- یادگیری را معنی دار کنید یکی از عوامل عمده ی پیشگیری در آنها را می آموزد. بدون تردید این آموزش ها و نوع روابط آموخته شده در زندگی بزرگ سالی هر دانش آموز تاثیر می گذارد و میزان موفقیت یا عدم موفقیت او را تا حدود زیادی مشخص می کند.
- نتایج روش پیشنهادی :

- ۱- رفتارهای نامطلوب دانش آموزان را کاهش داده و موجب تقویت رفتارهای مثبت می شود.
- ۲- فرایند یاددهی - یادگیری افزایش می یابد.
- ۳- تعامل ارتباطی معلم و دانش آموز افزایش می یابد.
- ۴- دانش آموزان خود پنداری مثبتی از خود پیدا می کنند.
- ۵- مدیریت کلاس درس بهتر می شود.
- ۶- جو مطلوب در کلاس درس ایجاد می شود.
- ۷- تاثیر انتظارات معلم مشخص می شود.
- ۸- باعث تسهیل امر آموزش می شود.

یادگیری یعنی چه ؟

دغدغه ی بسیاری از ما معلمان این است که به گونه ای درسمان را تدریس کنیم که دانش آموز ما آن را به خوبی بفهمد ، یاد بگیرد و بتواند از آن در حل مسائل استفاده کند .

دانش آموز تا مفهومی را عمیقاً درک نکند و نفهمد ، آن را یاد نمی گیرد و اما یادگیری یعنی چه ؟
اغلب در کتب روانشناسی ما تعریف یادگیری را به این شکل دیده ایم .

« یادگیری یعنی تغییر در رفتار قابل مشاهده »

رفتارگرایان معتقدند که فرایند های فیزیکی پدیده های روانی ، نقش علت و معلولی دارند و رویه های روان شناسی علمی ، مانند رویه های سایر علوم است .

از این رو رفتارگرایان برای اینکه بتوانند پدیده هایی مانند یادگیری را مورد بررسی و تحقیق علمی قرار دهند تعاریفی از آنها داده اند که عینی و قابل اندازه گیری باشد .

یادگیری به روش های مختلفی صورت می گیرد اما این روزها به یادگیری مشارکتی ، کار گروهی ، توجه بیشتری می شود و معلمان درصدد آشنایی با این مقوله ها و اجرای آن ها هستند .

روش یادگیری مشارکتی :

در گذشته به این روش ، روش فعال گفته می شد و منظور از روش فعال روشی بود که در آن معلم و دانش آموز به صورت فعال به بیان اندیشه و نقد مسائل در کلاس درس بپردازند . اما اکنون این روش یکی از روش های تدریس تعاملی است و تدریس تعاملی تدریسی است

که فراتر از کمک به دانش آموزان به کسب محتوای علمی و مهارت‌ها می‌اندیشد. در این روش علاوه بر توجه به کسب اطلاعات و مهارت‌ها به فرایند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش تأکید فراوان شده است. ایده‌ی کلی روش مشارکتی سابقه‌ی طولانی دارد اما توسعه برنامه‌های آموزش و پژوهش‌مداری که روش مشارکتی را برنامه‌ریزی کرده تقریباً از اوایل سال ۱۹۷۰ آغاز شده است. این رویکرد حاصل اندیشه‌ی نظریه پردازانی است که قصد داشتند به نحوه‌ی یادگیری کودکان از تجربه‌ی بی‌برند آنان با منفعل قرار دادن دانش آموز در کلاس درس شدیداً مخالف بودند زیرا که معتقد بودند «تجربه» بیشترین سهم را در فرایند یادگیری دارد به شرط این که همراه با تجزیه و تحلیل منظم و منطقی باشد.

کودکان با مشاهده و تقلید از رفتار دیگران و در جریان مشاهده و تقلید کشف می‌کنند که چگونه به طور هدفمند حرکت، و به طور قابل فهم صحبت کنند تا به سطحی برسند که خودشان اهدافشان را تعیین کنند، از خود و دیگران می‌آموزند، آنها در خلال بازی‌هایشان با خود صحبت می‌کنند و یاد کی گیرند که چگونه فکر کنند و چه انجام دهند و یادگیری‌شان با تکیه بر بیان به صورت اکتشافی، تسلط یابی و تصورات استمرار می‌یابد.

در این روش دانش آموزان با شنیدن انتقادات همسالان خود، بینش بیشتری نسبت به خود کسب می‌کنند و درک و فهم خود را از طریق شنیدن انتقادات و پیشنهادات دیگران گسترش می‌دهند. در روش مشارکتی دو عامل بسیار مهم وجود دارد که نقش تعیین کننده در اجرای مناسب این روش دارد.

۱- ساخت مشوق مشارکتی

یعنی دانش آموزانی که در این روش شرکت می‌کنند در دریافت پاداش و تقویت به نوعی به هم وابسته اند و در موفقیت و شکست هم شریک هستند. وقتی که یکی از اعضای گروه وظیفه‌اش را بدرستی انجام دهد کل گروه مورد تشویق قرار می‌گیرد و این عامل باعث بالا رفتن اعتماد به نفس سایر اعضا می‌شود.

۲- ساخت وظیفه‌ی مشارکتی

یعنی در این روش دانش آموزان یاد می‌گیرند که باهم روی یک وظیفه و موقعیت که در نهایت در راستای رسیدن به اهداف مشترک است، فعالیت کنند. بنابراین روش یادگیری مشارکتی روشی است که برای انجام دادن انواع فعالیت‌ها و تکالیف تحصیلی از یادگیری دروس مختلف گرفته تا پروژه‌های تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله مدافعان این روش جانسون (۱۹۸۷) و اسلاوین (۱۹۹۰) هستند. بنا به گفته‌ی جانسون در روش یادگیری مشارکتی همه‌ی فراگیران یا موفق می‌شوند شنا کنند و به هدف برسند یا همگی با هم غرق می‌شوند.

اهداف یادگیری مشارکتی :

در رویکرد یادگیری مشارکتی همواره دو هدف عمده دنبال می‌شود.

۱- بهبود درک و فهم و مهارت‌های شناختی دانش آموزان در موضوعاتی که تدریس می‌شود.

۲- افزایش مهارت در تعامل اجتماعی و احترام به خرده فرهنگ‌های موجود در مدرسه. در فرایند چنین آموزشی از دانش آموزان انتظار می‌رود که مهارت‌های شناختی و اجتماعی خود را تقویت کنند و نگرش مثبتی را نسبت به نژادها و قومیت‌ها و اندیشه‌های مختلف کسب کنند و ویژگی‌های یادگیری مشارکتی :

۱- تشکیل گروه‌های نامتجانس

یادگیری مشارکتی معمولاً باید از «چهار تا شش نفری» تشکیل شود که از جهات مختلف از جمله، توانایی یادگیری، میزان پیشرفت، نژاد، جنس و غیره نامتجانس باشند یعنی نمی‌توان گروهی انتخاب نمود که همگی در یک سطح استعداد باشند یا همگی از یک نژاد و قوم باشند چرا که در این صورت پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

هدف یادگیری مشارکتی تأکید بر جنبه «اجتماعی» یادگیری است که در این روش آن‌هایی که از نظر توانایی بالاتر از بقیه هستند سایر افراد را کمک می‌نمایند تا به سطح قابل قبولی برسند.

۲- داشتن اهداف روشن و صریح

یادگیری مشارکتی باید دارای اهدافی روشن و صریح و از همه مهم تر « قابل دسترسی » باشد. یعنی گروه باید بداند به دنبال چه چیزی هست و در این تعامل برای رسیدن به هدف از کجا باید شروع و طی چه فرآیندی به هدف خواهد رسید. نمی توان برای گروه اهدافی مشخص نمود که قابل دسترسی نباشد چرا که در این صورت گروه اعتماد به نفس خود را از دست داده و منجر به شکست روحیه ی گروهی می شود ۳- وابسته بودن به منظور تسلط بر محتوی و مواد آموزش به صورت گروهی همکاری و فعالیت می کنند یعنی هریک از اعضا وظیفه ای دارد ولی تمام وظیفه در یک جهت می باشد آن هم رسیدن به هدف نهایی گروه. برای این منظور می توان مواد آموزشی را بین گروه تقسیم کرد و از اعضای گروه خواست که مطلب مربوط به خود را بیاموزند و آن را به سایر اعضای گروه نیز آموزش دهند.

۴- معلم به عنوان هدایت کننده و منبع اطلاعات

معلم در این روش برعکس روش های سنتی انتقال دهنده ی محض نیست بلکه باید نقش راهنما و هدایت گروه را به عهده بگیرد فقط در مواقعی که گروه ها به مبحثی برخورد نمایند که به نتیجه نرسند معلم می تواند وارد عمل شود و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهد.

۵- مسئولیت فردی

بعضی تصور می کنند که چون این روش مبتنی بر همکاری و مشارکت است فرد به طور مستقل وظیفه ای ندارد. این تصور کاملاً اشتباه است. در روش رویکردمشارکتی فرد علاوه بر اینکه در جهت رسیدن به اهداف با اعضای گروه مشارکت می کند به طور مستقل نیز وظایفی دارد. معلم برای جلوگیری از این که بعضی از اعضای گروه بیشترین کار را انجام ندهند و اعضای دیگر از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنند باید مسئولیت های فردی را به عهده ی آن ها بگذارد به عنوان مثال: معلم می تواند از تک تک اعضا بخواهد تا به سؤالات کتبی یا شفاهی او که در مورد فعالیت های گروه طرح شده اند پاسخ دهند. یا اینکه معلم زمینه ای را فراهم کند تا هریک از دانش آموزان قسمتی از وظایف گروهشان را به تنهایی انجام دهند و در این قسمت معلم می تواند این اختیار را به دانش آموزان بدهد تا خودشان قسمتی از محتوی ارائه شده در کلاس را که در آن زمینه تخصص یا علاقه دارند انتخاب نمایند.

۶- پاداش به توفیق گروهی:

در این نوع یادگیری موفقیت یکی یا چند نفر از اعضای گروه ملاک ارزشیابی نیست بلکه ملاک مهم در این روش « موفقیت کل گروه است ». اگر گروه کاری انجام دهد که مستحق پاداشی باشد کل اعضای گروه پاداش می گیرند و اگر گروه وظیفه اش را به درستی انجام ندهد کل اعضای گروه تنبیه می شوند به هیچ وجه تنبیه بدنی یا ارائه محرک های آزاردهنده نیست بلکه می تواند به صورت حذف موفقیت های مطلوب صورت گیرد به عنوان مثال اگر ما گروه را هر پنج شنبه به عنوان به عنوان پاداش سینما می بردیم آن گروهی را که وظیفه اش را درست انجام نداده به عنوان تنبیه به سینما نبریم.

رویکرد های یادگیری مشارکتی:

۱- تقسیم دانش آموزان به گروه های پیشرفت تحصیلی

در این روش دانش آموزان به گروه های شش نفری تقسیم می شوند همان طور که قبلاً ذکر شده اعضای گروه از حیث توانایی، استعداد، و از لحاظ فرهنگی و اجتماعی باید نامتجانس باشند. معلمان باید هر هفته موضوع جدیدی را به دانش آموزان ارائه دهد. سپس اعضای گروه به حل تمرین ارائه شده می پردازد و بعد از آن گروه به صورت دو نفره به کامل کردن تمرینات پرداخته و همدیگر را ارزشیابی می کنند، مشکلات را مطرح نموده و به تمرین و ممارست خود ادامه می دهند در پایان معلم تک تک دانش آموزان را مورد ارزشیابی قرار می دهد. نحوه ی نمره دادن به آزمون های انجام شده موضوع با اهمیتی است چرا که موفقیت دانش آموزان بستگی به نمره ی کل گروه دارد.

اعضای گروه با پیشرفت خود و یا با دریافت یک نمره ی خوب امتیاز بالایی را برای گروه به دست می آورند نکته مهم و ضروری در این جا این است که ارتقاء و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نسبت به « گذشته » یکی از اهداف مهم این نوع آموزش است در نتیجه دانش آموزان ضعیف نقش مهمی را در موفقیت گروه ایفا می کنند. به طور مثال ملاک پیشرفت یک گروه نمی تواند نمره ای خاص باشد بلکه ملاک پیشرفت وضعیت کنونی او نسبت به گذشته است اگر گروهی در ارزشیابی که قبلاً انجام داده ایم نمره ی ۷ گرفته و در ارزیابی دوم نمره ی ۱۰ گرفته این گروه پیشرفت بهتری نسبت به گروهی که در ارزشیابی اول نمره ۱۸ گرفته و در ارزشیابی دوم ۱۹ شده است داشته است.

۲- گروه های بازی - مسابقه

این رویکرد از چند جهت به گروه های پیشرفت تحصیلی شباهت دارد و این شباهتها عبارتند از : معرفی موضوع از طرف معلم ، تمرین و مطالعه ی گروهی ، ارزشیابی فردی و فرصت های یکسان برای دست یابی به موفقیت .

تفاوت این رویکرد با رویکرد قبلی ، آزمون هایی است که هم چون مسابقه بین اعضای گروه های مختلف به اجرا در می آید . اعضای گروه با مطالعه و تمرین ، خود را برای انجام مسابقه آماده می کنند معلم اعضای هر گروه و نیز رقبای آنان را که از لحاظ توانایی در یک سطح هستند را تعیین کنید و هر هفته ترکیب گروه را به خاطر وجود دانش آموزان ضعیف تر تغییر می دهد آن ها به همین صورت هر هفته به مسابقه می پردازند . میانگین نمرات هفتگی آنان امتیاز کل گروه را مشخص می کند مدت زمان فعالیت این گروه ها با هم در حدود شش هفته است .

۳- گروه مبتنی بر استقلال فردی

این رویکرد در مقایسه با سایر روش ها بیش تر تکیه بر فردی کردن فعالیت ها دارد . این روش برای اجرای آموزش برنامه ای و گام به گام ریاضیات طراحی شده است . سازماندهی گروه ها در این روش مانند سایر روش هاست با این تفاوت که هر دانش آموز براساس توانایی خود به صورت فردی از میان محتوی برنامه ای شده وظیفه اش را تعیین می کند و به تمرین و مطالعه ی آن می پردازد . اعضای گروه در دسته های زوج یا گروه های کوچک به صورت انفرادی به روی محتوی برنامه ای شده گام به گام کار می کنند . و در صورت لزوم به هم کمک می کنند در هر بخش از برنامه وقتی فعالیت پایان یافته تلقی می شود که حداقل ۸۰٪ نمره کسب شده باشد هنگامی که تمام تکالیف پایان یافت دانش آموزان باید برای کل فعالیت های مربوط به خود ارزشیابی شوند . نمره ی نهایی هر گروه شامل مجموع نمرات اعضا یعنی میانگین نمرات آنها است .

۴- فعالیت های تکمیلی

این روش به صورت فعالیت تکمیلی ۱ و ۲ انجام می شود . همه ی گروه ها باید کل موضوعی را که معلم به آن ها داده است مطالعه کنند اما انتظار می رود هر عضوی بر روی موضوعی که مهارت دارد فعالیت کند وقتی مواد آموزشی خاص مطالعه شد متخصصان و افراد ماهر تمام گروه ها با هم روی آن قسمت که فعالیت انجام داده اند به بحث و گفت و گو می پردازند سپس افراد ماهر هر گروه به گروه خودش باز می گردد و به آنها آموزش می دهد پس از اتمام آموزش های درون گروهی دانش آموزان به صورت فردی مورد ارزشیابی قرار می گیرند و میانگین نتایج ارزشیابی اعضای هر گروه نمره ی کل گروه را مشخص می کند .

مراحل اجرای روش یادگیری مشارکتی :

روش یادگیری مشارکتی یک فرایند آموزشی است که می توان آن را در سطوح و پایه های متعدد و در قلمرو موضوعات مختلف اجرا نمود به منظور اجرای روش مشارکتی به طور صحیح معلمان و مجریان آموزش نیازمند سازماندهی دانش آموزان ، فعالیت های یادگیری و ارزشیابی نتایج فعالیت های انجام شده هستند اما آنها انعطاف پذیری قابل توجهی در درون گروه دارند و نیازی به پیروی از فرمول های معین به منظور اجرای روش مشارکتی ندارند .

اکثر تحقیقات انجام شده در این زمینه چهار مرحله و فرایند را برای اجرای این روش پیشنهاد کرده اند که عبارتند از

۱- ارائه یا معرفی محتوی :

در این مرحله معلمان باید محتوی را معرفی کنند و زمینه ی مرور اجمالی درس را فراهم نمایند همانند سایر روش ها استفاده از راهبردهای مشارکتی بستگی به اثر بخشی خود محتوی برای دانش آموزان دارد اگر ارائه محتوی آشفته و سطحی باشد یا تمرینات به صورت ناقص انجام شوند و تعامل معنی دار در استفاده از محتوی فدای یادگیری عادت ی بدون اندیشه شود به اثربخشی روش یادگیری مشارکتی اعتماد کرد .

۲- تمرین مهارت یا توسعه فعالیت های آموزش در گروههای نامتجانس :

در این مرحله اعضای گروه باید در فعالیت هایی چون مباحثه در زمینه ی محتوی ، تمرینات فردی و مساعدت های دو نفر ، در گیر شوند ، آنها با هم و به طور انفرادی می بایست روی موضوعات مطرح شده تمرین نمایند و راه حل های خود را توضیح دهند و دریافت های خود را درباره ی ماهیت مسأله و ارتباطش با دیدگاه های آشنا مبادله نمایند . اعضای گروه می بایست در این مرحله نظر خود را درباره ی فعالیت های صورت گرفته ی سایر اعضا به تفصیل بیان نمایند و خدمات ارائه دهند .

۳- ارزشیابی دانش آموزان به طور انفرادی :

در این مرحله بدون کمک اعضای گروه ، هر دانش آموز باید تسلط خود را بر محتوی درس در یک ارزشیابی انفرادی نشان دهد . هدف گروه ها در این قسمت انجام مستقل و مطلوب وظایف به طور انفرادی است و در نهایت نمره تک تک اعضای گروه و میانگین نمرات آنان نمره ی کل گروه را مشخص می کند .

۴- بازشناسی گروه و ارائه پاداش :

در اغلب روش های مشارکتی موفقیت گروه ها باید به وسیله میانگین نمرات افراد تعیین شود و امتیازاتی نظیر « عالی » ، « بسیار خوب » و « خوب » رادریافت نمایند و این امتیازات با جوایز متناسب همراه باشد . به عنوان مثال اگر علی عضو گروه الف در آزمون هفتگی خود پیشرفت قابل توجهی از خود نشان دهد گروه او ممکن است به دلیل سهم بودن در پیشرفت او و نمونه ای از کار گروهی مؤثر به گرفتن پاداش مفتخر شود .

محاسن روش یادگیری مشارکتی

۱- پیشرفت تحصیلی

هدف یادگیری مشارکتی ارتقعی عملکرد دانش آموزان در وظایف مهم علمی و آموزشی است اعتقاد بر این است که ساختار انگیزشی روش مشارکتی ، جایگاه یادگیری و هنجارهای پیشرفت تحصیلی را بالا می برد . طبق نظر اسلاوین (۱۹۹۱) پژوهش های انجام شده درباره ی روش یادگیری مشارکتی دال بر این ادعا هستند که این روش در بالا بردن سطح پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در موضوعات مختلف و در سطوح مختلف تحصیلی مفید است .

۲- ارتقای روابط اجتماعی :

دومین اثر مهم روش یادگیری مشارکتی ، گسترش روابط اجتماعی فراتر از سطح تحصیلی محلی یا خانوادگی است این روش در خلال استفاده از ساختارهای پاداش مشارکتی ، شرایطی را برای همکاری گروهی در وظایف عمومی فراهم می کند . دانش آموزان از این طریق می آموزند که به همدیگر احترام بگذارند و به دقت به نظرات هم گوش بدهند حتی اگر مخالف نظرات خودشان باشد . در واقع در این روش دانش آموزان روش های نقد و بررسی افکار دیگران را نیز تا حدودی می آموزند . اسلاوین (۱۹۹۱) در تحقیقات خود به شواهدی دست یافته است که روش یادگیری مشارکتی روابط میان دانش آموزان نژادهای مختلف را در کلاس مختلف بهبود می بخشد .

۳- مهارت های حل مسأله ی مشارکتی

یکی از آثار مهم و نهایی روش مشارکتی این است که دانش آموزان مهارت های مشارکت و همکاری را می آموزند . دانش آموزان با قرار گرفتن در یک گروه احساس اعتماد به نفس می کنند و با مواجه شدن با مسائل مختلف از طریق هم فکری و همیاری مشکل را حل می نمایند و در صورت لزوم در این زمینه از معلم هم کمک می گیرند .

محدودیت های روش یادگیری مشارکتی :

بزرگ ترین محدودیت این روش مشکل رهبری و هدایت آن است این روش اگر خوب هدایت و سازماندهی نشود هیچ یک از اهداف مورد نظر تحقق نمی یابد پس ضروری است قبل از اجرای این روش معلمان در زمینه ی مراحل مختلف آن اطلاعات لازم را کسب نمایند و بعد درصدد اجرای این روش برآیند چرا که بدون آگاهی از این روش اجرای آن مطمئناً با شکست مواجه خواهد شد و علاوه بر اینکه خود معلم دچار یأس و ناامیدی می شود ضربه ی بسیار سختی بر پیکر دانش آموزان وارد نموده است . شاید یکی از دلایلی که این گونه روش ها در نظام آموزشی ما جایگاه خود را پیدا نکرده است عدم آشنایی معلمان با اجرای آن و ترس از شکست باشد دومین مسأله در عدم اجرای این روش توسط معلمان سردرگمی در نحوه ی ارزشیابی پایانی دانش آموزان است که به غلط مغیار ارزشیابی را امتحان کتبی جامع می دانند و در برخورد با این گونه روش ها و تطبیق آن با روش های سنتی که هم اکنون هم در کشور اجرا می شود بلافاصله خط بطلان به روی آن می کشند و از اجرای آن نومید می شوند غافل از این که این روش همان طوری که تحقیقات متعدد نشان داده است یکی از بهترین روش های ممکن برای آموزش و یادگیری است . به امید این که روزی فرا رسد که ما شاهد تلفیقی از روش های یادگیری بسته و شرایط و امکانات موجود از جمله یادگیری مشارکتی در نظام آموزش و پرورش کشورمان باشیم .

انگیزش :

تعاریف و اهداف :

از انگیزش تعاریف مختلفی شده است ، انگیزش را ایجاد انگیزه در افراد می دانند و انگیزه ها به عنوان نیاز ها ، خواسته ها ، سائقه های ، نیروهای محرکه ، آرزو ها و علایق در درون انسان تعریف می شوند . صاحب نظران دیگری انگیزش را ایجاد انگیزه می دانند و می گویند انگیزه مجموعه پیچیده ای از نیروها ، میل ها ، نیاز ها ، حالات تنشی و یا سایر مکانیزمهای روانی است که سبب شروع فعالیت و ادامه ی آن به سمت نیل به اهداف شخصی می شود . در این مفهوم فرد با رسیدن به هدف نیاز خود ا تأمین و ارضاء می کند . انگیزه ها چراهای رفتار هستند و سبب پیدایش ، حفظ و تعیین جهت عمومی رفتار در فرد می گردند . واژه های انگیزه و نیاز به جای یکدیگر کاربرد دارند و مراد از هر کدام چیزی در درون انسان است که سبب حرکت ، فعالیت و یا رفتار می شود . نیاز منبع اساسی انگیزش است ، بنابراین ، نزدیک ترین مفهوم به انگیزش ، نیازهای فرد است . نیازها سبب تحریک فرد به یافتن راههایی برای تأمین نیازها می شود . انگیزش در مدیریت ایجاد میل ، اشتیاق و علاقه به انجام دادن کار ، تشویق و جلب رضایت و خشنودی کارکنان از طریق ارضای نیازهای منطقی ، مادی ، اجتماعی و روانی آنهاست .

انگیزه :حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتاری معین می شود که غالباً با انگیزش مترادف به کار می رود . به عبارت دیگر انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید درحالی که انگیزه را علت اختصاصی یک مشخص می دانند . مثلاً وقتی می پرسیم چرا مریم با دوستش بدر رفتاری کرد ، به دنبال انگیزه او هستیم .

انگیزه از عوامل اصلی یادگیری به شمار می رود . بعضی ها انگیزه را یک حالت آگاهانه یا ناآگاهانه نیاز باسائق دانسته اند که به رفتارهای معینی منتج می شود با آنکه تعاریف و عقاید متفاوتی در مورد انگیزش وجود دارد روان شناسان در این باره متفق اند که انگیزه عاملی درونی است و باعث رفتار مشخص می شود و آن را در جهت معینی سوق می دهد .

« راهبردهای ایجاد انگیزه »

- ۱- به دانش آموزان یاد می دهید که خود را توصیف کنند .
- ۲- دانش آموزان را آموزش دهید تا گام پیش نهند و مسئولیت کارها را به عهده بگیرند تا توانایی ها و نقاط ضعف خود بشناسند .
- ۳- به دانش آموزان بیاموزید تا با قرار دادن خود در موقعیت های مختلف ظرفیت ها و توانایی ها امکانات فردی خود را شناسایی کنند .
- ۴- دانش آموزان را تشویق کنید که داوطلبانه افکارشان را بیان کنند .
- ۵- به دانش آموزان نشان دهید که آنها را باور دارید تا آنان نیز خود را باور کنند .
- ۶- دانش آموزان را تشویق کنید تا در انجام کارها از تمام مهارت های خود استفاده کنند .
- ۷- دانش آموزان را با سرگرمی ها و علایق گوناگون آشنا کنید تا مهارت های خود را گسترش دهند.
- ۸- به دانش آموزان یاد دهید که پیوسته دانش و مهارت خود را ارزیابی کنند و آنها را گسترش دهند .
- ۹- زمانی که دانش آموزان از خود ابتکار عمل نشان می دهند یاریشان کنید تا کارها به ثمر برسانند در این حالت احساس مثر مثر بودن می کنند .

۱۰- به دانش آموزان بیاموزید که به خود متکی باشند .

۱۱- کنجکاوی دانش آموزان را تشویق کنید ، وقتی می خواهند در مورد موضوعی بیشتر بدانند و سؤال می کنند آنها را تشویق کنید .

۱۲- زمینه ی تجربه های موفقیت آمیزی را برای دانش آموزان فراهم کنید .

۱۳- روی ویژگی های مثبت دانش آموزان تمرکز کنید .

۱۴- به دانش آموزان بیاموزید که پیامد های رفتار خود را پیش بینی کنند و خود را به چالش بیندازند تا روش ها و راه حل تازه بیابند .

۱۵- به دانش آموزان بیاموزید که بیشترین مشکلات درسی آنها مربوط به عدم تلاش خودشان است .

۱۶- به دانش آموزان یاد دهید که با تمرکز بر وظایف و تکالیف خود مسئول یادگیری و پیشرفت خود باشند .

۱۷- به دانش آموزان یاد دهید که ارزش های خود را هیچ گاه با دیگران مقایسه نکنند .

۱۸- به دانش آموزان آموزش دهید تا مسیر رسیدن به هدف را در ذهن خود ترسیم نمایند .

۱۹- به دانش آموزان یاد دهید که علل موفقیت و شکست های خود را بررسی کنند .

۲۰- به دانش آموزان بیاموزید تا به مقایسه ی عملکردهای گذشته و حال خود بپردازند .

انگیزش در سازمانهای آموزشی

هنگامی که از انگیزش در سازمانها سخن می گوئیم ، دست یافتن به رفتاری هدفدار و برانگیخته را مد نظر داریم . رفتار برانگیخته دارای سه ویژگی عمده به شرح زیر است .

۱- رفتار برانگیخته در جهت رسیدن به یک هدف معین است فرد یا گروه می دانند که چه نیازی دارند و چگونه و از چه طریقی می توانند آن را تأمین کنند .

۲- رفتار برانگیخته دارای دوام و استمرار نسبی بلند مدت است . رفتار برانگیخته به این دلیل که تصادفی و بی هدف نیست ، از ثبات و دوام بیشتری برخوردار است .

۳- رفتار برانگیخته برخاسته از یک احساس درونی است به طور معمول رفتار برانگیخته از یک نیروی درونی که فرد را از درون به حرکت وامی دارد ، سرچشمه می گیرد . افرادی که رفتار برانگیخته دارند دلایل رفتار خود را با اصلاحاتی چون انگیزه ، میل ، علاقه ، نیاز و ... بیان می دارند که همان احساس درونی است .

نیازهای انسان :

نیازهای انسان ، به شکل های مختلف تقسیم بندی شده است که به برخی از آنها اشاره می شود .

۱- نیاز به کسب موفقیت :

انسان دوست دارد کارهای مشکل انجام دهد و به اهداف بلند مدت دست یابد . او به کوشش برای کسب موفقیت و پاسخ مثبت به رقابت ها تمایل دارد .

۲- میل به پیوستن به گروه : انسان دارای نیاز پیوستن به گروه مردم و دوستان است و می خواهد از طرف دیگران پذیرفته شود . او به دوست یابی و اختلاط با مردم میل دارد .

۳- نیاز ستیزه جویی ، درگیری و تهاجم :

در ارتباط با این نیاز فرد خیلی زود ناراحت می شود . او فکر می کند که شاید دیگران می خواهند به او آسیبی برسانند . بنابراین همین سبب تمایل دارد به دیگران آسیب برساند .

۴- نیاز به استقلال .

۵- نیاز به نمایش یا تظاهر .

۶- نیاز به هیجان .

۷- نیاز به کمک دیگران .

۸- میل به نظم .

۹- نیاز به کسب قدرت .

۱۰- نیاز به درک و کشف .

نیازها ، انگیزش و رضایت شغلی :

رابطه ی تأمین نیازها با انگیزش و رضایت شغلی ، از مسایل اساسی مدیریت است و هر مدیر آموزش دوست دارد بداند که چگونه باید معلمان و همکاران خود را در حالت انگیزش نگه دارد.

تحقیقات زیادی رابطه ی بین تأمین نیاز و انگیزش و رضایت شغلی نشان می دهد :

۱- چه چیزهایی در شغلشان آنها را ناخوشنود و ناراضی می کرد ؟

۲- چه چیزهایی در کارشان سبب خشنودی و رضایت آنها می شد ؟

عوامل بهداشتی ، محیطی مورد شناسایی (هرزبرگ) عبارتند از :

۱- امنیت شغلی .

۲- زندگی شخصی .

۳- شرایط کار .

۴- حقوق .

۵- خط مشی و قوانین و مقررات مدرسه یا شرکت .

۶- ماهیت و میزان سرپرستی فنی .

۷- روابط متقابل با همکاران .

۸- روابط متقابل با سرپرستان .

۹- روابط متقابل با زیر دستان .

۱۰- مقام و موقعیت .

۱- هرگاه در محیط کار ، عوامل فوق تأمین نشود ، افراد احساس نارضایتی خواهند کرد . به عنوان مثال چنانچه محیط شغلی افراد دارای مسائل و مشکلاتی باشد که آینده شغلی آنان را به خطر بیندازد (و هر آن انتظار برود که شغل خود را از دست بدهند ، نارضایتی خواهند شد .) اگر معلمان در روابط خود با معلمان دیگر ، دانش آموزان و یا مدیر دچار مشکلاتی باشند و روابط آنها غیر حسنه باشد ، احساس خوشنودی نخواهند کرد و از شغل خود راضی نخواهند بود .

۲- هنگامی که مردم از کار خود احساس رضایت دارند ، منظور و اشاره ی آنها بیشتر متوجه خود کار و ماهیت آن است . در این وضعیت ، عواملی چون رشد فردی و دادن مسئولیت سبب می شود که افراد از درون خود احساس رضایت و خوشنودی کنند .
« هرزبرگ » این دسته از عوامل مربوط به کار را عوامل برانگیزه یا انگیزش نامیده است .

عوامل برانگیزاننده در این نظریه عبارتند از :

۱- پیشرفت و توسعه شغلی .

۲- مسئولیت .

۳- ماهیت کار (خود کار)

۴- رشد فرد .

۵- شناخت از طرف دیگران .

۶- کسب موفقیت .

با توجه به عوامل ششگانه فوق اگر فردی در محیط شغلی خود موفقیت هایی بدست آورد از نظر علمی و شخصیتی رشد کند ، مسئولیت هایی به او محول شود و یا به طور کلی فردی با ارزش به حساب آید و به اصطلاح به رسمیت شناخته شود در درون خود احساس رضایت و خوشنودی خواهد کرد ، همواره به کار خود علاقه مند خواهد شد .

روش های برانگیختن کارمندان و همکاران :

انگیزش افراد با مسائل و متغیرها متفاوتی ارتباط دارد که تعیین چند روش یا دستور العمل نمی تواند پاسخگوی همه ی ابعاد موضوع باشد . انگیزش ، از یک جهت به شخصیت نگرش و نیازهای افراد بستگی دارد . انگینسن انگیزش را با شخصیت برابر می داند و در همین زمینه ، شخصیت و در نتیجه انگیزش را طی یک فرمول تابعی از ویژگی های وراثتی و محیطی معرفی می کند . افراد برون گرا و درون گرا تفاوت های زیادی با هم دارند و رفتارها و روش های انگیزش آنها متفاوت است .

محرک ها و امکاناتی که در محیط قرار دارد تأثیر بسیاری بر رفتار افراد دارد . عده ای از انسان ها در محیط های پر نعمتی که امکانات طبیعی و منابع سرشار در آنها وجود دارد زندگی می کنند بالطبع از ثروت نسبی برخوردارند . عده دیگری که محیط های کویری و فاقد امکانات زندگی می کنند و همواره با کوششهای زیاد و بعضاً طاقت فرسا ادامه حیات می دهند بسیاری از مدیران مدارس و سازمانهای آموزشی به دلایل مختلف و از جمله ترس از سوء استفاده ها اختیارات و امکانات محدودی برای استفاده از نیروها برنامه ریزی ، سازماندهی ، مشارکت معلمان و اولیای امور دارند که همه اینها مدافع انگیزش به حساب می آیند .

روش ها و شیوه های رفتاری خود مدیران از مسائل بسیار پراهمیت در انگیزش معلمان است . بعضی از مدیران رفتارشناسی در سازمان های آموزشی را نمی دانند و نمی توانند رابطه مناسب و کارآیی با همکاران خود داشته باشند عده ای از مدیران طبیعت کار معلمی و سازمانهای آموزشی را نمی شناسند .

علیرغم متغیرها و مسائل و جنبه های مختلفی که بیان شد می توان راههایی برای برانگیختن همکاران به مدیران توصیه کرد .

۱- توجه به تفاوت های فردی در رفتار ، تقسیم کار و دادن مسئولیت ها .

۲- اهداف باید کاملاً روشن و قابل حصول باشند .

۳- بر توانایی ها و نقاط قوت افراد تکیه شود .

۴- پاداش ها باید حالت فردی داشته باشد .

۵- پاداش ها باید عادلانه و مربوط به عملکرد فرد باشد .

۶- توجه به حقوق مکفی .

روش های ایجاد یا افزایش انگیزه در فراگیران :

۱- استفاده از تشویق های تداومی و غیر تداومی مناسب مانند مرحبا ، آفرین و نوشتن کتبی در پایان تکلیف .

۲- کمک به دانش آموزان در برطرف ساختن نیازها و کمبودهای اولیه مثل غذا ، آب ، پوشاک.

۳- افزایش احساس موفقیت در فراگیران ، با تأیید معلم و والدین او نسبت به آنچه که انجام داده اند .

۴- استفاده از خاصیت برانگیختگی مطالب مختلف مانند مطالب معنی دار و تعجب انگیز .

۵- تهیه مطالب از ساده به دشوار .

۶- پرهیز از ایجاد رقابت ناسالم در میان فراگیران برای این کار بهتر است معلم ابتدا نام دانش آموزی را بگوید سپس سؤال طرح کند تا با

مشارکت همه ی دانش آموزان همراه شود و عده ای خاص مرتباً تشویق نشوند .

۷- در انجام فعالیت های آموزشی فراگیران آزادی عمل داشته باشند .

۸- مطالب معنی دار و مرتبط با موفقیت های واقعی زندگی ارائه دهید چون مطالب معنی دار موجب تحریک کنجکاوی بیشتر فرد خواهد شد

۹- تعیین رفتار غایی.

۱۰- ابتدا سعی کنیم در دانش آموزان نیاز ایجاد کنیم زیرا تا نیاز به وجود نیاید هیچ حرکتی صورت نمی پذیرد .

۱۱- از خاصیت انگیزش مطالب استفاده کنیم استفاده از محرک های تازه ، تعجب انگیز و پرمعنی ، سطح برانگیختگی را افزایش می دهد و

سبب تحریک حس کنجکاوی یادگیرنده می شود .

۱۲- مطالب از ساده به دشوار ارائه شوند .

۱۳- هنگام آموزش مطالب تازه از مثال های آشنا استفاده کنیم .

۱۴- کمک به دانش آموزان در درک کارکردهای فیزیولوژیکی و درک فرایند تفکر .

۱۵- کمک به دانش آموزان در جهت درک خود ارزشمندی و فرایند یادگیری.

اهمیت و وسایل کمک آموزشی در فرایند یاددهی - ویادگیری

وسایل کمک آموزشی از حیث اینکه :

- تئوری و عمل توأم و هماهنگ می سازد. جایگاه ویژه ای دارند.

- استفاده از وسایل کمک آموزشی از طرف معلم در کلاس و در جریان تدریس ، باعث میشود. که مطالب مطرح شده در ساخت شناختی

دانش آموزان جا بگیرد. و دانش آموزان به یادگیری معنی دار برسند.

- متأسفانه استفاده منظم و اصولی از وسایل کمک آموزشی، تحت هر عنوان در مدرسه به بوتله فراموشی سپرده می شود و اغلب ، عدم استفاده

از وسایل کمک آموزشی را از طریق کمبود وقت و نبود وسایل توجیه می کنند.

- از مهمترین شاخص های توسعه در یک کشور ، کیفیت و کمیت برون داد نظام آموزشی است. که آن هم به چگونگی نظام اطلاعات برنامه

ریزی شده به فراگیرندگان و نیز بهبود فرایند یاددهی - یادگیری بستگی دارد.

- پس استفاده بهینه از فناوری آموزشی در جریان تدریس به سبب فعال کردن حواس فراگیران امر آموزش را واقعی تر کرده . ضمن غنی کردن

کیفیت تدریس و یادگیری، کارایی تعلیم و تربیت را ارتقا می بخشد (پیری ، ۱۳۸۲، ص ۴۳)

- استفاده از وسایل کمک آموزشی موجب افزایش کارایی معلمان در تدریس می شود و مطالب درسی را برای دانش آموزان عینی تر کرده، جذاب تر و عمیق تر کرده در افزایش یادگیری و پایدار ساختن آموخته های دانش آموزان تأثیر اساسی دارد. یافته های تجربی در حوزه روانشناسی حکایت از آن دارد که قریب ۷۰٪ از آموخته های انسان از طریق حس بینایی و ۳۰٪ بقیه از طریق سایر حواس حاصل می شود. این بدان معناست که آموزش و پرورش می بایست بیش از پیش نسبت به فراهم ساختن محیط و موقعیت های مستعد فراگیری بصری اقدام کند و به عصر حاکمیت فراگیری از طریق شنوایی یا آموزش زبانی از محیط های آموزشی پایان دهد.

اثرات مثبت کاربرد فناوری آموزشی (وسایل کمک آموزشی) در جریان تدریس توسط معلمان

۱- موجب تسهیل در فرایند آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری و افزایش آموخته های فراگیران می گردد.

۲- افزایش اعتماد به نفس معلمان و دانش آموزان را به دنبال دارد.

۳- یادگیری برای دانش آموزان لذت بخش و جذاب تر می گردد.

۴- ثبات و استحکام آموخته ها و معنادار شدن یادگیری فراگیران را فراهم میسازد .

۵- توانایی اندیشیدن و استدلال را در دانش آموزان افزایش می دهد.

۶- یادگیری را سریع تر، آسان تر و بادوام تر می سازد.

۷- آموزش را از حالت ذهنی خارج نموده ، یادگیری را برای دانش آموزان ملموس و عینی می کند.

۸- فرایند آموزش را از حالت تک رسانه ای بودن خارج میکند.

۹- دست یابی به نتایج سریع از آموزش را عملی می سازد .

۷- بازده آموزشی را از نظر کمی و کیفی برای دانش آموزان و معلمان افزایش می دهد.

۸- اثر خستگی جسمی و ذهنی را در هنگام یادگیری کاهش می دهد.

۹- معلم را از حالت انتقال دهنده صرف اطلاعات به فراگیران خارج می کند.

۱۰- معلم را به عنوان عامل اثر گذار در حین تدریس و تسهیل کننده جریان یادگیری معرفی نماید.

۱۱- زمینه رشد و شکوفایی تفکر و خلاقیت دانش آموزان را فراهم میسازد.

۱۲- یادگیری مؤثر و مفید را برای عده بیشتر از دانش آموزان ممکن می سازد.

۱۳- موجب برانگیختگی حس کنجکاوی و تفکر خلاق فراگیران می گردد.

دلایل استفاده از وسایل کمک آموزشی در جریان تدریس

الف (معظلات و مشکلات آموزشی

۱- افزایش روز افزون شمار افراد لازم التعلیم .

۲- انفجار دانش بشری و پیشرفت فناوری آموزشی .

ب (نقش حواس در یادگیری

- ۷۵ درصد یادگیری از طریق کاربرد حس بینایی

- ۱۳ درصد یادگیری از طریق کاربرد حس شنوایی

- ۶ درصد یادگیری از طریق کاربرد حس لامسه

- ۳ درصد یادگیری از طریق کاربرد حس بویایی

- ۳ درصد یادگیری از طریق کاربرد حس چشایی صورت می گیرد.

ج) نقش مواد و وسایل کمک آموزشی در تدریس و یادگیری

۱- یادگیری را سریع ، موثر تر و پایدار تر می کند.

۲- توجه و علاقه فراگیران را جلب میکنند.

۳- تجارب عینی و واقعی را در اختیار شاگردان قرار میدهد.

۴- پیوستگی افکار را در فرایند یادگیری فراهم می کنند .

- ۵- اساس قابل لمس را برای تفکر و ساختن مفاهیم فراهم می کنند.
 - ۶- پایه های لازم را برای یادگیری تدریجی و تکمیلی فراهم می سازند.
- لازم است که : گذشته را درک کنیم . حال را تجربه کنیم . آینده را با حیرت نظاره کنیم ((وشاهد پیشرفتهای جدید باشیم))
- عمده ترین دلایل و موانع عدم کاربرد معلمان از وسایل کمک آموزشی در کلاسهای درس
- ۱- نبود افراد متخصص و کاردان .
 - ۲- نبود انگیزه در کافی در بهره گیری از وسایل کمک آموزشی .
 - ۳- اعمال شیوه مدیریت غیرونا آگاهانه مدیران از مفهوم و فلسفه استفاده از وسایل کمک آموزشی .
 - ۴- نبود ارزشیابی صحیح از کار معلمان به طوری که هیچ تفاوت بین معلمانی که از وسایل کمک آموزشی استفاده می کنند , و معلمانی که از این وسایل استفاده نمیکنند , وجود ندارند.
 - ۵- عدم آگاهی معلمان از نقش و تأثیر مثبت به کارگیری وسایل کمک آموزشی .
 - ۶- وجود نارسایی آموزشی که باعث شده معلمان نتوانند از وسایل اندک موجود در مدارس استفاده لازم را به عمل آورند.
 - ۷- عدم رغبت و تمایل معلمان به کاربرد و استفاده از وسایل کمک آموزشی در جریان تدریس .
 - ۸- عدم آشنایی و تسلط اندک معلماندر بهره گیری و استفاده مطلوب از تکنولوژی آموزشی .
 - ۹- نبود اعتماد به نفس کافی در معلمان در زمینه بهره گیری از وسایل کمک آموزشی .
 - ۱۰- بکارگمارن نیروهای غیر تخصصی و غیر مرتبط به عنوان کارشناس تکنولوژی آموزشی .
 - ۱۱- عدم استفاده مطلوب از توان و تجربیات نیروهای متخصص و کارشناس در رشته تکنولوژی آموزشی .

راهکارها و پیشنهادهای :

- ۱- برگزاری دوره های آموزشی در جهت ارتقای علمی و عملی معلمان برای استفاده مناسب از فناوری آموزشی .
 - ۲- بهره گیری از تجارب ارزنده و برنامه های موفق کشورهای مختلف در بکار گیری وسایل کمک آموزشی .
 - ۳- توجه بیشتر به دروس آشنایی با تکنولوژی آموزشی تولید و کاربرد وسایل کمک آموزشی در برنامه های تربیت معلم , دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی.
 - ۴- انتخاب و بکار گمارن نیروهای متخصص و کاردان در پست تکنولوژیست آموزشی در مناطق آموزش و پرورش .
 - ۵- برگزاری همایش های علمی, کاربردی و تخصصی برای آشنایی و ترغیب بیشتر معلمان به استفاده از وسایل کمک آموزشی.
 - ۶- نظارت بیشتر و دقیق تر بر کار معلمان که در تدریس مطالب خود نیاز به بیشتری به کاربرد این وسایل دارند.
 - ۷- تهیه و انتشار نشریات و مجلات علمی و تخصصی برای افزایش اطلاعات و آگاهی معلمان در زمینه استفاده از فناوری آموزشی.
 - ۸- قدردانی و حمایت از مدیرانی که زمینه لازم را برای استفاده بیش تر معلمان از وسایل کمک آموزشی در جریان تدریس فراهم می کنند.
- نتیجه و خلاصه مطالعات :

- ۱- ارضای نیازهای بهداشتی - محیطی , فقط از ناراضی بودن افراد جلوگیری می کند , ولی الزاماً سبب انگیزش و کارایی آنها نمی شود .
- ۲- برای آن که افراد برانگیخته شوند باید نیازهای انگیزشی آنها ارضاء شود . در نتیجه وقتی افراد از درون خود احساس رضایت کنند بر کارایی و موفقیت آنها افزوده می شود .
- ۳- برای آنکه فرد ناراضی نباشد در عین حال با روحیه بالا و انگیزش کافی بر کسب موفقیت و یاددهی بسیار کار کند

منابع: ۱- کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰ - ۲- جمعی از مولفان، روان شناسی اجتماعی، انتشارات موسسه پژوهشی حوزه دانشگاه قم ، ۱۳۸۲ - ۳- سون ویندال و دیگران؛ کاربرد نظریه های ارتباطات (نظریه ها و مکاتب ارتباطات)، علیرضا دهقان و ناصر ضرونچی، تهران، مرکز تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۳۷۵ و همان، مشهد، کنکاش دانش، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۵۹